

روم، رؤیا را برقرار می‌سازد - شماره دوازده

پیشگویی کا سه گانه اطلاق: ویرانی کی مکروه چیز اور آخری ایام میں بھاگ نکلنے کی تنبیہ

Jeff Pippenger

2024-08-31

مکروه ویرانی که دانیال نبی از آن سخن گفته است، نشانه‌ای برای مسیحیان در سه دوران متفاوت است تا بگریزند. مسیحیان اورشلیم هنگامی گریختند که در سال ۶۶ میلادی، درفش‌های سپاهیان روم را دیدند که اورشلیم را در محاصره گرفته بودند. مسیحیان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم، هنگامی که مرد گناه را در هیکل خدا دیدند که اعلام می‌کرد خداست، به بیابان گریختند. در سال ۱۸۸۸، مجموعه‌ای از قوانین یکشنبه به وسیله سناتور بلر به کنگره ایالات متحده ارائه شد. آن لوایح را لوایح بلر می‌نامیدند، و تلاشی بودند برای آنکه یکشنبه را به عنوان روز ملی عبادت معین سازند. عبادت در روز یکشنبه، نشان وحش است، نشان اقتدار پاپی؛ و قانون اساسی ایالات متحده مستقیماً با اجرای یک دین ملی به عنوان آزمونی برای شهروندان ایالات متحده مخالفت می‌کند.

این همان حقیقتی است که از کاربرد نادرستی که با شناسایی ایالات متحده به عنوان روم جدید مرتبط است، حذف شده است. کاربرد سه گانه نبوت دارای قواعد مشخصی است که بر تطبیق آن حاکم‌اند. این قواعد بیان می‌کنند که ویژگی‌های نبوی تحقق نخست باید با ویژگی‌های نبوی تحقق دوم ترکیب شوند تا ویژگی‌های نبوی تحقق سوم برقرار گردد.

هشدار به گریختن، هشدار است برای گریختن از جفایی که در راه است. در عصر مسیح، آن جفا همان ویرانی اورشلیم و هیکل در سال ۷۰ میلادی بود. نشانه هشداردهنده آن جفای نزدیک در سال ۶۶ میلادی داده شد. هشدار به گریختن در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم، از سوی پولس چنین شناسانده شد که عبارت بود از تشخیص ارتدادی در پرغامس نبوی، که نمایانگر روم بت‌پرست بود. نخست می‌بایست ارتدادی رخ دهد تا آن مرد گناه، که خود را خدا اعلام می‌کرد، آشکار شود. در تاریخ منتهی به سال ۵۳۸، روم بت‌پرست که بازدارنده بود، یا چنان‌که پولس گفت «مانع می‌شود»، از میان برداشته شد؛ و چون پرغامس سقوط کرد و نشانه گریختن فرا رسید، به وفاداران رهنمود داده شد که خود را از مشارکت کلیساهای پاپی جدا سازند. سپس در سال ۵۳۸، در شورای اورلئان، قدرت پاپی قانونی درباره یکشنبه تصویب کرد، و هزار و دویست و شصت سال جفای پاپی آغاز شد.

دو شاهد نخست به روشنی نشان می‌دهند که سومین تحقق هشدار گریختن که مسیح داده بود، پیش از آغاز واقعی جفا روی داد. ویرانی اورشلیم دقیقاً سه سال و نیم پس از آغاز محاصره کستیسوس در سال ۶۶ میلادی واقع شد؛ از این رو، به مسیحیان فرصت داده شد تا پیش از هول و هراس‌های محاصره دوم، که به دست تیتوس آغاز گردید و با ویرانی معبد و شهر به پایان رسید، بگریزند. پیش از سال ۵۳۸، مسیحیان خود را از کلیسای روم پاپی جدا کردند و، به گونه‌ای نبوتی، به بیابان گریختند؛ امری که نمایانگر ویرانی اورشلیم روحانی است.

لیکن جو صحن بیکل کے باہرے اسے چھوڑ دو، اور اسے ناپو نہیں؛ کیونکہ وہ غیر قوموں کو دے دیا گیا ہے؛ اور وہ مقدس شہر کو بیابالیس مہینے تک پاؤں تلے روندتے رہیں گے۔ اور میں اپنے دو گواہوں کو قدرت دوں گا، اور وہ ٹاٹ اوڑھے ہوئے ایک ہزار دو سو ساٹھ دن تک نبوت کریں گے۔ مکاشفہ 11:2، 3۔

در هر دو نمونه از هشدار برای فرار، هشدار پیش از آزار و جفا می‌آید، و آزار و جفا به وسیلهٔ روم، خواه بت‌پرست و خواه پاپی، در حال پایمال کردن اورشلیم، خواه تحت‌اللفظی و خواه روحانی، به تصویر کشیده شده است. هشدار فرار برای ادونتیس‌های روز هفتم، لایحهٔ بلیر در سال ۱۸۸۸ بود. در تحقق نخست، در تاریخ روم بت‌پرست، مسیحیان می‌بایست از اورشلیم بگریزند؛ و در تحقق مربوط به روم پاپی، مسیحیان به بیابان گریختند. برای ادونتیس‌م، هشدار این بود که به نواحی روستایی بگریزند.

«اکنون برای قوم خدا وقت آن نیست که دل‌بستگی‌های خود را متوجه جهان سازند یا گنج خویش را در آن ببندوزند. زمانی چندان دور نیست که ما نیز، همچون شاگردان نخستین، ناگزیر خواهیم شد در مکان‌های متروک و خلوت پناهگاهی بجوئیم. همان‌گونه که محاصرهٔ اورشلیم به وسیلهٔ لشکرهای روم علامت فرار برای مسیحیان یهودیه بود، همچنین به دست گرفتن قدرت از سوی ملت ما در فرمانی که سبت پاپی را به اجرا درمی‌آورد، برای ما هشدار خواهد بود. آنگاه زمان آن خواهد بود که شهرهای بزرگ را ترک کنیم، تا در آمادگی برای ترک شهرهای کوچک‌تر نیز، به سوی خانه‌های دورافتاده در مکان‌های خلوت در میان کوه‌ها برویم.» Testimonies, volume 5, 464

«به دست گرفتن قدرت از سوی ملت ما در فرمانی که سبت پاپی را به اجرا درمی‌آورد، برای ما هشدار خواهد بود»، هنگامی تحقق یافت که مکروه ویرانی، مطابق با سخنان مرقس، «در جایی که نباید، ایستاده بود.» در سال ۱۸۸۸، کنگرهٔ ایالات متحده قانونی را مورد بررسی قرار می‌داد که در تضاد مستقیم با یکی از عناصر اساسی قانون اساسی بود، و در آن هنگام، ادونتیس‌های روز هفتم می‌بایست شهرها را ترک کرده، به مناطق روستایی نقل مکان کنند.

«در ویرانی اورشلیم، حتی یک مسیحی نیز هلاک نشد. مسیح به شاگردان خود هشدار داده بود، و همه کسانی که به سخنان او ایمان آوردند، در انتظار نشانهٔ موعود بیدار و مراقب بودند.... بی‌درنگ به مکانی امن گریختند—شهر پلا، در سرزمین پیریه، آن سوی اردن.» نزاع عظیم، 30.

ویژگی‌های نبوی نخستین نشانه‌های هشدار برای فرار، بیانگر تحقق سوم و نهایی است. گاه این ویژگی‌های نبوی در همان تحقق سوم، تحقق مضاعف پدید می‌آورند. نمونه‌ای از این امر، سه ایللیا است. سیر ایللیا در رویارویی‌اش با ایزابل، اخاب و انبیای بعل، همراه با ویژگی‌های یحیای تعمیددهنده، ایللیای دوم، در رویارویی‌اش با هیروдіا، هیرودیس و سالومه، این حقیقت را برقرار می‌سازد که در ایام آخر، زیرا تحقق سوم و نهایی یک کاربرد سه‌گانه همواره در ایام آخر است، ایللیا و یحیا نمایندهٔ دو گروه از قوم خدا هستند. یک گروه که با ایللیا نمایانده شده‌اند، نمی‌میرند؛ و گروه دیگر که با یحیا نمایانده شده‌اند، می‌میرند. این دو گروه همچنین در مکاشفه فصل هفت نیز به صورت صدوچهل و چهار هزار تن، که نمی‌میرند، و جماعت عظیم، که می‌میرند، به تصویر کشیده شده‌اند.

در سه بابل، عنصری مشابه در پیام نبوی این است که بابل نخست به وسیلهٔ نمرود نمایانده می‌شود، اما بابل دوم به وسیلهٔ نخستین و آخرین پادشاهان، یعنی نبوکدنصر و پلشصر، نمایانده می‌شود. نبوکدنصر نمایندهٔ کسانی در بابل است که نجات خواهند یافت، و پلشصر نمایندهٔ کسانی است که در بابل هلاک خواهند شد.

در ایام آخر، دو قانون یکشنبه وجود دارد که موضوع نبوت کتاب مقدس هستند. نخستین، قانون یکشنبه‌ای است که به زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد؛ و دوم، قانون یکشنبه‌ای است که بر تمام جهان تحمیل می‌شود. این دو قانون یکشنبه، به وسیلهٔ قانون یکشنبه روم بت‌پرست تمثیل شدند؛ هنگامی که در سال ۳۲۱، کنستانتین نخستین قانون یکشنبه را به اجرا گذاشت، و پس از آن، قانون یکشنبه روم پاپی در سال ۵۳۸ آمد. روم بت‌پرست یکی از چندین نمونهٔ نبوی است که ایالات متحده را از پیش مجسم می‌سازد، و قانون یکشنبه سال ۳۲۱، نمونهٔ قانون یکشنبه‌ای است که به زودی در ایالات

متحدۀ برقرار خواهد شد. قانون یکشنبه پاپی سال ۵۳۸، نمونه قانون یکشنبه‌ای است که بر تمام جهان تحمیل می‌شود. دیدگاه نادرستی که ادعا می‌کند ایالات متحدۀ به‌وسیله راهزنان در دانیال یازده نمونه‌سازی شده است، می‌کوشد از قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی در ایالات متحدۀ برقرار خواهد شد به‌عنوان شاهی استفاده کند تا مدعی شود که قانون یکشنبه در ایالات متحدۀ ثابت می‌کند ایالات متحدۀ روم جدید است؛ و نادیده می‌گیرد که قانون یکشنبه دیگری نیز وجود دارد که به‌وسیله اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب، بر هر ملت جهان تحمیل می‌شود.

اگر قانون یکشنبه در ایالات متحدۀ، ایالات متحدۀ را به‌عنوان روم جدید معرفی می‌کند، پس قانون جهانی یکشنبه چه چیزی را معرفی می‌کند؟ سه روم نشان می‌دهند که روم جدید، که سه‌گانه است، دو قانون متمایز یکشنبه را به اجرا خواهد گذاشت. نخستین آن در ایالات متحدۀ است و به‌واسطه قانون یکشنبه کنستانتین در سال ۳۲۱ نمونه‌وار گردید، و دومی سراسر جهان است، چنان‌که به‌واسطه قانون پاپی یکشنبه در سال ۵۳۸ نمونه‌وار شد. به‌کارگیری قانون یکشنبه در ایالات متحدۀ، در بستر یک کاربرد سه‌گانه از نبوت، برای ادعای این که قانون یکشنبه ثابت می‌کند روم جدید چه کسی است، به‌منزله نادیده گرفتن ویژگی‌های نبوی‌ای است که روم بت‌پرست و روم پاپی برقرار ساخته‌اند. در ایام آخر، دو قانون متمایز یکشنبه وجود دارد، و هیچ‌یک دلیلی برای شناسایی این نیست که غارتگران قوم، ایالات متحدۀ هستند. هنگامی که شهادت روم بت‌پرست و روم پاپی برای پشتیبانی از یک تفسیر شخصی، چنان‌که اکنون در حال انجام است، به‌نادرستی بازنمایی می‌شود، این امر نشان می‌دهد که کسانی که می‌کوشند تفسیر شخصی خود را برقرار سازند، تیپ و ضدتیپ را درک نمی‌کنند.

روم بت‌پرست نمونه‌ای از ایالات متحدۀ است، و روم پاپی نمایانگر روم معاصر می‌باشد. همراه با این کاربرد نادرست یک کاربرد سه‌گانه نبوت، و این ادعا که آنچه تعلیم داده می‌شود در چارچوب «نمونه و ضدنمونه» قرار دارد، خطای دیگری نیز وجود دارد؛ و آن، تعریف «مکروه ویرانی» است، آن‌گونه که در چارچوب یک کاربرد سه‌گانه نبوت بازنمایی می‌شود.

از سال ۶۶ تا سال ۷۰ میلادی، دو سردار رومی به اورشلیم حمله کردند. هر دو سردار، یعنی کستیوس و تیتوس، کار خود را با محاصره آغاز کردند؛ اما تنها یکی از آن دو برای مدتی کوتاه محاصره را ترک کرد، و این امر به‌گونه‌ای عنایتی الهی فرصت گریختن را برای مسیحیان فراهم ساخت. این نخستین محاصره، تحت فرمان کستیوس، بود که مسیحیان در آن هشدار فرار را تشخیص دادند. هنگامی که تیتوس در سال ۷۰ میلادی برای ادامۀ جنگ علیه اورشلیم رسید، او نیز با محاصره آغاز کرد و تا زمانی که اورشلیم و هیکل ویران شدند، از آن دست نکشید. هشدار عیسی مشتمل بر دو مرحله است. نخست، نشانه فرار است، و پس از آن، آزار و جفا. در تحقق این هشدار در قرون پنجم و ششم، مسیحیان پیش از سال ۵۳۸ از کلیسای فاسد رومی جدا شدند، و سپس آزار و جفا آغاز گردید.

پولس به‌روشنی بیان می‌کند که تمام تاریخ مکتوب اسرائیل باستان برای کسانی نوشته شده است که در ایام آخر زندگی می‌کنند، و اینکه همه آن وقایع، تیپ‌ها بودند؛ هرچند واژه یونانی «typos» که به‌معنای تیپ‌هاست، در بیان کلاسیک او از این حقیقت، به‌صورت «ensamples» ترجمه شده است.

اکنون همه این امور بر ایشان واقع شد تا عبرت‌ها باشد؛ و برای تنبیه ما نوشته شده است، ما که پایان‌های عالم بر ما رسیده است. ۱ قرنتیان ۱۰:۱۱

تاریخ‌هایی که پولس در فصل دهم برای فراهم‌ساختن زمینه این حقیقت به کار می‌برد، تاریخ اسرائیل باستان در حال رفتار عادلانه نبود.

لیکن خدا از بسیاری ایشان خشنود نبود، زیرا در بیابان هلاک شدند. و این امور برای ما نمونه‌ها گردید، تا ما مشتاق چیزهای بد نباشیم، چنان‌که ایشان نیز مشتاق شدند. و بت‌پرست مباشید،

چنان‌که بعضی از ایشان بودند؛ چنان‌که مکتوب است: «قوم نشستند تا بخورند و بنوشند و برخاستند تا بازی کنند.» و زنا مکنیم، چنان‌که بعضی از ایشان کردند و در یک روز بیست و سه هزار نفر فرو افتادند. و مسیح را میازماییم، چنان‌که بعضی از ایشان نیز آزمودند و به وسیلهٔ مارها هلاک شدند. اول قرتیان ۵: ۹-۱۰.

تاریخ مقدس هم ثبتِ پارسایی قوم خداست و هم ناپارسایی آنان؛ اما در هر دو ثبت، این تاریخ همچنان نمونه‌ای برای قوم خداست که در ایام آخر زندگی می‌کنند. تاریخ شورش در مینیاپولیس در سال ۱۸۸۸، برخلاف آنچه مورخان ادونتیسست ادعا می‌کنند، گزارشی از ناپارسایی است. آن شورش چنان عمیق بود که الن وایت تصمیم گرفت آن اجتماع را ترک کند، و تنها از آن‌رو ماند که فرشته‌ای به او گفت مسئولیت او این است که بماند و آن شورش را ثبت کند؛ شورش‌ی که در تاریخ موسی، همتایی با شورش قورح، داتان و ابیرام داشت. در آن اجتماع، آن فرشته مقتدر مکاشفه باب هجده نازل شد، اما پیامی که آورد رد شد.

آن تاریخ، یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ را نمونه‌وار پیش‌تصویر می‌کرد؛ آنگاه که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو ریخته شدند. آن تاریخ همچنین دربرگیرنده نخستین لایحهٔ قانون یکشنبه بود که قرار بود به وسیله سناتور Blair ارائه شود. تلاش‌های او برای تحمیل یکشنبه به عنوان روز ملی عبادت ناکام ماند، اما این بخشی از یک تاریخ مقدس بود که ایام آخر را نمونه‌وار پیش‌تصویر می‌کرد. لایحهٔ سناتور Blair هشدار بود برای گریز از شهرها. پیش از ۱۸۸۸، هنگامی که Sister White از ضرورت سکونت در خارج از شهرها سخن می‌گفت، در زمان آینده سخن می‌گفت. او به زمانی در آینده نزدیک اشاره می‌کرد که در آن قوم خدا باید به نواحی روستایی نقل مکان کنند. پس از ۱۸۸۸، همهٔ ارجاعات Sister White به ضرورت زندگی در نواحی روستایی، مشورت او را در این چارچوب قرار می‌داد که زمان بودن در نواحی روستایی از پیش فرارسیده بود. لایحه Blair در ۱۸۸۸، نشانه اجرای اجباری یکشنبه بود؛ چنان‌که لوقا بیان کرد، در جایی که نمی‌بایست باشد. اجرای اجباری یکشنبه نمی‌بایست به کنگره ایالات متحده وارد می‌شد، زیرا انکار یکی از اصول بنیادین قانون اساسی بود.

تاریخ ۱۸۸۸ اس لیے قلم بند کیا گیا تھا تاکہ اُس نبوی تاریخ کی تمثیل نے جس کا آغاز ۱۱ ستمبر ۲۰۰۱ کو ہوا۔ ۱۸۸۸ کا بلیئر بل، ۲۰۰۱ کے پیٹریاٹ ایکٹ کی تمثیل تھا۔ یہ وہ تنبیہ تھی جو وحش کے نشان کے حقیقی نفاذ سے پہلے آئی۔ جو کوئی مسیح کی پیروی کر رہا ہے، اسے ۱۱ ستمبر ۲۰۰۱ کے بعد کسی شہر میں نہیں رہنا چاہیے۔ یہ وہ نبوی محاصرہ تھا جس نے خدا کے لوگوں کو فرار ہونے کی ہدایت دی۔ اور جس طرح آخری ایام کے نبوی نمونے کا موضوع دو اتوار کے قوانین ہیں، جیسا کہ بت پرست اور پاپائی روم کے اتوار کے قوانین سے ظاہر کیا گیا ہے، اسی طرح دونوں اتوار کے قوانین سے پہلے فرار ہونے کی تنبیہ آتی ہے۔

برای کسانی که اقرار می‌کنند ادونتیسست روز هفتم هستند، لازم بود که از نظر نبوی «قانون پاتریوت» را به عنوان نشانه‌ای برای ترک شهرها و رفتن به نواحی روستایی، پیش از قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، تشخیص دهند. همان قانون یکشنبه‌ای، برای گلهٔ دیگر خدا که هنوز در بابل هستند، نشانه‌ای بود تا پیش از اجرای اجباری یکشنبه که قرار است بر هر امتی تحمیل شود، از بابل بیرون آیند.

«چون آمریکا، سرزمین آزادی مذهبی، با پاپیت در واداشتن وجدان و مجبور ساختن مردم به تکریم سبت کاذب متحد گردد، مردمان هر کشور روی زمین هدایت خواهند شد که از نمونه او پیروی کنند.» شهادت‌ها، جلد ۶، ص. ۱۸.

همان‌گونه که کاربرد سه‌گانهٔ سه ایلایا ثابت می‌کند که در ایام آخر دو طبقه از قوم خدا وجود دارد، کاربرد سه‌گانه روم نیز مشخص می‌سازد که دو قانون یکشنبه متمایز وجود دارد. کسانی که می‌خواهند ادعا کنند که ایالات متحده «دزدان قوم تو» است، و از این‌رو نقش نبوی ایالات متحده رؤیا

را تثبیت می‌کند، چنین القا می‌کنند که قانون یکشنبه‌ای که به زودی در ایالات متحده خواهد آمد همان مکروه ویرانگر است که مسیح آن را به عنوان هشدار برای قوم خود معرفی کرد تا از جفای در شرف وقوع بگریزند. آنان از تشخیص تمایز میان محاصره، که علامت هشدار برای گریختن است، و محاصره دوم، که نمایانگر زمانی است که اجرای واقعی یک قانون یکشنبه جفای ایام آخر را آغاز می‌کند، باز می‌مانند. آنان همچنین از پرداختن به تمایزی که بر اساس دو شاهد برقرار شده است غفلت می‌ورزند؛ یعنی اینکه در ایام آخر باید دو قانون یکشنبه متمایز وجود داشته باشد که نبوت را به انجام رساند. بدین‌سان استدلال می‌کنند که قانون یکشنبه‌ای که به زودی در ایالات متحده خواهد آمد همان هشدار ممتل در «مکروه ویرانگر، که دانیال نبی از آن سخن گفته است» می‌باشد؛ و چنین نیز هست، اما نه آن‌گونه که آنان تعریف می‌کنند.

قانون یکشنبه در ایالات متحده، برای گله دیگر خدا که هنوز در بابل است، هشدار است تا از مشارکت او بگریزد. بنابراین، این هشدار است درباره قانون یکشنبه در پیش رو که بر همه ملت‌ها تحمیل خواهد شد.

«اقوام غیرملکی ریاستهائے متحده کی مثال کی پیروی کریں گی۔ اگرچہ وہ پیش قدمی کرتی ہے، تاہم یہی بحران دنیا کے ہر حصے میں ہمارے لوگوں پر بھی آ پڑے گا۔» Testimonies, volume 6, 395

سخن ایشان این است که قانون یکشنبه در ایالات متحده، ایالات متحده را به عنوان آن نمادی معرفی می‌کند که رؤیای نبوی را استقرار می‌بخشد؛ اما در چارچوب آن هشدار گریختن که مسیح داده است، آن قانون یکشنبه نمایانگر هشدار جهانی به کارگران ساعت یازدهم است تا از بابل بگریزند.

संबोधति को प्रश्न के वधि-स्वविर उस वह तो, है करती उल्लेख का चेतावनी की जाने भाग व्हाइट ससिटर जब से वधि-स्वविर में अमेरिका राज्य संयुक्त आंदोलन वह है। लेता ले में चपेट अपनी को संसार सारे जो है करती की उत्पीड़न वाले आने वधि-स्वविर में अमेरिका राज्य संयुक्त कहैं करती स्पष्ट यह वह है। होता आरम्भ है। चेतावनी

«با صدور فرمانی که استقرار پاپیت را برخلاف شریعت خدا الزام‌آور سازد، ملت ما خود را به طور کامل از عدالت جدا خواهد ساخت. هنگامی که پروتستان‌تیسیم دست خود را از فراز این شکاف دراز کند تا دست قدرت رومی را بگیرد، هنگامی که از فراز این مغاک دست دراز کند تا با روح‌گرایی دست دهد، هنگامی که، تحت تأثیر این اتحاد سه‌جانبه، کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را به عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری‌خواه مردود شمارد، و برای اشاعه اکاذیب و فریب‌های پاپی تمهیداتی فراهم سازد، آنگاه خواهیم دانست که زمان کارکرد شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده است و پایان نزدیک است.»

«چنان‌که نزدیک شدن لشکرهای روم برای شاگردان نشانه‌ای از ویرانی قریب‌الوقوع اورشلیم بود، این ارتداد نیز می‌تواند برای ما نشانه‌ای باشد از این که حدِ پردباری خدا به پایان رسیده است، پیمانۀ گناه ملت ما لبریز شده است، و فرشته رحمت در شرف پرواز خویش است، تا دیگر هرگز بازنگردد. آنگاه قوم خدا در آن صحنه‌های مصیبت و تنگی فرو خواهند رفت که انبیا آن را زمان تنگی یعقوب وصف کرده‌اند. فریادهای مؤمنان وفادار و آزاردیده به آسمان صعود می‌کند. و همان‌گونه که خون هابیل از زمین فریاد برمی‌آورد، صداهایی نیز از قبرهای شهیدان، از گورهای دریا، از غارهای کوهستان، از سرداب‌های صومعه‌ها، به سوی خدا فریاد برمی‌آورند: "ای خداوند، قدوس و حق، تا به کی داوری نمی‌کنی و خون ما را از ساکنان زمین انتقام نمی‌گیری؟"»
شهادت‌ها، جلد ۵، ۴۵۱.

خواهر وایت قانون یکشنبه در ایالات متحده را مشخص می‌کند و آن را به‌عنوان «نشانه‌ای» معرفی می‌نماید که زمان مهلت آزمایشی برای ایالات متحده به پایان رسیده است. اما قوم خدا در سایر ملت‌های جهان نیز باید با همین آزمون روبه‌رو شوند. از زمان قانون یکشنبه در ایالات متحده تا هنگامی که میکائیل برخیزد و مهلت آزمایشی بشر بسته شود، دوره‌ای از زمان وجود دارد. هنگامی که آن بسته شود، «فرشته رحمت پرواز خود را آغاز می‌کند.»